

کتاب هوشع نبی

مقدمه

زندگی و کتاب هوشع نبی، محبت خدا را نسبت به مردمش به تصویر می‌کشد. سه فصل اول کتاب بیان زندگی هوشع است. بقیه کتاب، شامل پیام‌های است که این نبی خدا، در حکومت شمالی اسرائیل پیش از سقوط آن در سال ۷۲۲ به مردم موعظه کرده است.

در دوران هوشع تعداد زیاد مردم اسرائیل ثروتمند بودند، اما با وجود آن، ناشکری می‌نمودند و از کمک به فقرا شانه خالی می‌کردند. بت پرستی در اسرائیل زیاد شده بود و مردم آهسته آهسته از پرستش خداوند حقیقی غافل شده بودند.

موضوع مورد بحث هوشع نبی هم بت پرستی و پیمان شکنی بنی اسرائیل در مقابل خداوند است. هوشع با ازدواج ناکامی که با زن خیانتکار خود داشت، بی وفایی بنی اسرائیل را در برابر خدا به آن تمثیل می‌کند. همانطوریکه زنش جوهر به او خیانت کرد، قوم برگزیده خدا هم در برابر خدا خیانت کردند و از پرستش او دست کشیدند. بنابراین خدا بنی اسرائیل را محکوم کرد و سقوط آنها را اعلام فرمود. اما در اخیر، رحمت و محبت بی زوال خدا پیروز شد و قوم اسرائیل را دوباره به حضور خود پذیرفت و رابطه خود را با آنها تجدید کرد.

خدا رحمت خود را نسبت به قوم اسرائیل با این کلمات بیان می‌فرماید: «ای افرایم، چگونه می‌توانم ترا از دست بدهم؟... دلم نمی‌خواهد که این کار را بکنم. محبت من نسبت به تو خیلی عمیق است.» (۱۱: ۸)

فهرست مندرجات:

ازدواج هوشع و خانواده او: فصل ۱ - ۳

پیام هوشع به قوم اسرائیل: فصل ۴ - ۱۳

توبه مردم و وعده خدا: فصل ۱۴

یعنی «قوم من نیست» بگذار، زیرا که اسرائیل قوم برگزیده من نیست و من هم خدای آن ها نیستم.»

برقراری مجدد اسرائیل

۱ با اینهم تعداد مردم اسرائیل مثل ریگ دریا بی اندازه و بشمار می شود. آنوقت بعبوض اینکه خدا به آن ها بگوید: «قوم برگزیده من نیستید»، می گوید: «شما فرزندان خدای زنده هستید.» مردم یهودا و اسرائیل با هم متفق می گردند و برای خود یک پیشوا تعیین می کنند و مالک سرزمین خود می شوند. روز یزرعیل چه روز بزرگی خواهد بود.

۲ پس برادران تان را عمی، یعنی «قوم من» و خواهران تان را روحامه، یعنی «رحمت شده» خطاب کنید.

جوهر بی وفا، اسرائیل بی وفا

۲ مادر تان را توبیخ کنید، زیرا او زن من نیست و من دیگر شوهر او نمی باشم. به او بگوئید که از زناکاری دست بردارد و خودفروشی نکند،^۳ ورنه او را مثل روزی که تولد شد برهنه می کنم و مانند بیابان و زمین خشک و بی آب از تشنگی هلاکش می سازم.^۴ بر فرزندانش هم رحم نمی کنم، زیرا آن ها فرزندان زنا هستند.^۵ مادر شان زنا کرده و با بی حیائی گفته است: «دنبال عاشقان خود می روم که به من نان و آب و روغن و شربت و پوشاک پشمی و کتانی می دهند.»

۶ اما من دیواری از خار و خس بدور او می کشم تا نتواند راه خود را پیدا کند،

در دوران سلطنت عُزیا، یوتام، آحاز و حزقیاء، پادشاهان یهودا و یزبعام پسر یوآش، پادشاه اسرائیل، کلام خداوند بر هوشع پسر بیری نازل شد.

خانواده هوشع

۲ خداوند کلام خود را با یوشع چنین آغاز کرد: «برو با یک زن زانیه ازدواج کن تا از راه زنا فرزندان برایت بدنیآ بیاورد، زیرا قوم برگزیده من زناکار شده و مرا ترک کرده اند.»^۳ پس هوشع رفت و با جوهر دختر دبلایم ازدواج کرد. آن زن حامله شد و پسری برایش بدنیآ آورد.

۴ خداوند فرمود: «نام این طفل را یزرعیل بگذار، زیرا می خواهم بزودی پادشاه اسرائیل را مجازات کنم و انتقام خونی را که جدش، ییهو، در دره یزرعیل ریخته است، بگیرم.^۵ در آن روز قدرت نظامی اسرائیل را در دره یزرعیل درهم می شکنم و به سلطنت قوم اسرائیل خاتمه می دهم.»

۶ جوهر بار دیگر حامله شد و دختری زائید. خداوند به هوشع فرمود: «نام او را لوروحامه، یعنی «رحمت نشده» بگذار، زیرا من دیگر بر قوم اسرائیل رحمت نمی کنم و آن ها را نمی بخشم.^۷ اما بر مردم یهودا رحم می کنم و من خداوند، خدای ایشان، آن ها را نجات می دهم، اما نه با کمان و شمشیر و جنگ و یا با کمک اسپها و سواران شان.»

۸ بعد از آنکه جوهر لوروحامه را از شیر جدا کرد، بار سوم حامله شد و پسری بدنیآ آورد. خداوند فرمود: «نام او را لوعمی،

و شیرین صحبت می‌کنم. ^{۱۵} در آنجا تاکستان هایش را به او پس می‌دهم و وادی عَخور یا مصیبت را برایش به «دروازهٔ امید» تبدیل می‌کنم. در آنجا مثل روزهای جوانی و هنگامی که او را از سرزمین مصر بیرون آوردم، به من جواب می‌دهد.

^{۱۶} خداوند می‌فرماید: در آن روز مرا بجای «بعل من» «شوهر من» خطاب می‌کند. ^{۱۷} دیگر نمی‌گذارم که نام بعل را بر زبان بیاورد و او را یاد کند. ^{۱۸} در آن وقت، بین شما و حیوانات وحشی، مرغان هوا و خزندگان پیمانی می‌بندم. کمان و شمشیر را از بین می‌برم و به جنگها خاتمه می‌دهم تا در آسایش و امنیت زندگی کنید.

^{۱۹} تو برای همیشه نامزد من می‌شوی و با راستی و عدالت و محبت و رحمت با تو پیمان عقد می‌بندم. ^{۲۰} ترا از روی صداقت و صفا نامزد خود می‌سازم و آنگاه مرا بحیث خداوند می‌شناسی. ^{۲۱} خداوند می‌فرماید که در آن روز دعاهاى قوم برگزیدهٔ خود، اسرائیل را اجابت می‌کنم. باران را بر زمین می‌فرستم ^{۲۲} و زمین غله و انگور و زیتون تولید می‌کند. ^{۲۳} قوم اسرائیل را برای خود در زمین می‌کارم. بر کسانی که «رحمت نشده» بودند رحم می‌کنم و به آنهایی که گفته بودم «قوم برگزیدهٔ من نیستید» می‌گویم «شما قوم برگزیدهٔ من هستید» و آن‌ها جواب می‌دهند: «تو خدای ما هستی.»

^۷ و هر قدر که به دنبال عاشقان خود بدود، نتواند به آن‌ها برسد، به جستجوی شان خواهد رفت، اما آن‌ها را پیدا نخواهد کرد. آنگاه خواهد گفت: «پیش شوهر اول خود برمی‌گردم، زیرا وقتی نزد او بودم وضع بهتری داشتم.»

^۸ او نمی‌داند که من به او غله و شراب و روغن و نقره و طلائی را که برای بت بعل مصرف می‌کرد، می‌دادم. ^۹ ولی حالا غله و شراب را که در وقت و موسمش برای او تهیه می‌کردم به او نمی‌دهم و پوشاک پشمی و کتانی را که برای ستر برهنگی اش به او می‌دادم، پس می‌گیرم. ^{۱۰} قباح او را در نظر عاشقانش آشکار می‌سازم و هیچ کسی نمی‌تواند او را از دست من نجات بدهد. ^{۱۱} به تمام خوشی‌ها، عیدها، جشنهای ماه نو و ایام سَبَت خاتمه می‌دهم. ^{۱۲} تاکستانها و درختان انجیرش را که می‌گفت بخشش عاشقانش هستند، خشک می‌سازم. آن‌ها را به جنگلی تبدیل می‌کنم تا میوه هایش خوراک حیوانات وحشی شوند. ^{۱۳} خداوند می‌فرماید: بخاطر اینکه در روزهای عید برای بت بعل خوشبوئی دود می‌کرد، خود را با انگشتر و زیور می‌آراست، دنبال عاشقان خود می‌رفت و مرا فراموش کرد، بنابراین، او را مجازات می‌کنم.

محبت خداوند نسبت به قوم برگزیده اش

^{۱۴} پس من او را دوباره فریفته به بیابان می‌برم و با او با سخنان نرم

و زنا می شوند و پیهه خون می ریزند. ^۳ بنابراین زمین خشک می شود و همه ساکنین آن همراه با حیوانات وحشی، مرغان هوا و حتی ماهیان دریا از بین می روند.

خداوند کاهنان را متهم می کند

^۴ خداوند می فرماید: «اما هیچ کسی نباید شخص دیگری را ملامت کند و او را گناهکار بداند. ای کاهنان، شما مقصر هستید. ^۵ شب و روز مرتکب خطا و لغزش می شوید. انبیاء هم بهتر از شما نیستند. من مادر تان، اسرائیل را نابود می کنم. ^۶ قوم برگزیده من بخاطری که مرا نمی شناسند هلاک می شوند. شما هم نخواستید که مرا بشناسید، لهذا من هم شما را بعنوان کاهن خود قبول نمی کنم. چون قوانین مرا فراموش کرده اید، بنابراین من نیز فرزندان تان را فراموش می کنم.

^۷ هر قدر تعداد آن ها زیاد شد، به همان اندازه در مقابل من گناه ورزیدند. پس من شوکت و شکوه آن ها را به ننگ و رسوائی تبدیل می کنم. ^۸ کاهنان از گناهان مردم برای منفعت شخصی خود استفاده می کنند و با حرص زیاد مردم را به گناه کردن تشویق می نمایند، ^۹ بنابراین، هم کاهنان و هم مردم را بخاطر گناهان شان مجازات می کنم. ^{۱۰} آن ها خواهند خورد، ولی سیر نخواهند شد؛ زنا خواهند کرد، ولی زیاد نخواهند شد؛ زیرا آن ها مرا که خدای شان هستم از یاد برده و پیرو خدایان دیگر شده اند.

هوشع دوباره با زن خود یکجا می شود

۳ خداوند به من فرمود: «برو دوباره زنت را بیاور. او را با آنکه عاشق مرد دیگری است و زنا می کند، دوست بدار؛ همانطوری که من قوم اسرائیل را، با وجودیکه به خدایان دیگر مایل شده اند و کیکهای کشمش را به آن ها تقدیم می کنند، دوست می دارم.»

^۲ پس من رفتم و آن زن را به پانزده مثقال نقره و پنجاه سیر جو خریدم. ^۳ به او گفتم: «مدت زیادی باید منتظر بمانی و در طول این مدت باید از فحشا دست بکشی و با مردان دیگر همبستر نشوی و من هم منتظرت می باشم.»

^۴ به همین ترتیب، قوم اسرائیل نیز سالهای زیادی بدون پادشاه و پیشوا، بدون قربانی و ستونهای مقدس و بدون بت بسر می برند. ^۵ بعد از آن قوم اسرائیل بسوی خداوند، خدای خود و به یکی از اولاده داود، پادشاه شان برمی گردند. آن ها با ترس و احترام بحضور خداوند می آیند و در ایام واپسین از کرم و احسان او برخوردار می شوند.

خداوند قوم اسرائیل را متهم می کند

۴ ای قوم اسرائیل، به کلام خداوند گوش بدهید. خداوند ساکنین این سرزمین را متهم می سازد، زیرا در آنجا وفاداری، صداقت و خداشناسی وجود ندارد. ^۲ مردم لعنت می کنند، دروغ می گویند، آدم می کشند، مرتکب دزدی

شهوت بدنبال فاحشه ها می روند. آن ها افتضاح را بر عزت و شرافت ترجیح می دهند.^{۱۹} بنابراین دستخوش باد شدیدی می شوند و بخاطر قربانی هائی که برای خدایان بیگانه می کنند خجل و رسوا می گردند.

محاکمه قوم اسرائیل

۵ ای کاهنان، بشنوید! ای قوم اسرائیل، توجه کنید! ای خاندان پادشاه گوش بدهید! شما محکوم هستید، زیرا در شهر و صفا و کوه تابور مردم را فریب دادید،^۲ بنابراین، ای مردم سرکش، من شما را بخاطر کشتار بیحد و بی رحمانه تان جزا می دهم.^۳ من افرایم را می شناسم و کارهای اسرائیل از من مخفی نیست. افرایم زنا کرده و اسرائیل آلوده شده است.»

۴ اعمال شان مانع برگشت آن ها بسوی من که خدای شان هستم، می شوند، زیرا روح زناکاری در آن ها رخنه کرده است و نمی توانند مرا بشناسند.^۵ غرور قوم اسرائیل علیه خود شان شهادت می دهد. اسرائیل و افرایم در زیر بارگناه می لغزند و یهودا هم با آن ها یکجا به زمین می خورد.^۶ آن ها با رمه و گله خود به جستجوی خداوند خواهند رفت، اما او را نخواهند یافت، زیرا او خود را از آن ها دور ساخته است.^۷ اسرائیل به خداوند خیانت کرده است و فرزندان غیر مشروع بوجود آورده است. پس حالا آن ها با ملک و دارائی شان یکجا نابود می شوند.

خداوند بت پرستی را محکوم می کند

۱۱ خداوند می فرماید: زنا و شراب کهنه و نو، عقل قوم برگزیده مرا زایل کرده است.^{۱۲} آن ها از یک تکه چوب بی جان مشوره می طلبند و از عصای چوبی می خواهند که از آینده به آن ها خبر بدهد. شوق و علاقه به زنا آن ها را گمراه ساخته است و دل بستگی به این عمل باعث شد که مرا فراموش کنند.^{۱۳} ابر کوهها و بالای تپه ها برای بتها قربانی می کنند. در زیر هر درخت بلوط و هر نوع درختان دیگر یک بت دارند.

در آنجا دختران تان فاحشه گری و عروسان تان زنا می کنند.^{۱۴} اما من دختران و عروسان تان را بخاطر آن اعمال شان مجازات نمی کنم، زیرا مردها خود شان با فاحشه های معبد در جاهای خلوت می روند و با آن ها یکجا برای خدایان غیر قربانی تقدیم می کنند. بنابراین، این مردم بخاطری که نادان هستند، نابود می شوند.

۱۵ گرچه اسرائیل زنا می کند، اما ای یهودا، نمی خواهم که تو مرتکب چنین گناهی شوی. از روی ریا در جلجال و یا بیت آون برای عبادت نرو و بنام من قسم نخور.^{۱۶} مثل اسرائیل نباش که مانند یک گوساله نافرمان سرکشی می کند و نمی خواهد همچون بره ای در چراگاه های وسیع و حُرْم تغذیه اش کنم.^{۱۷} مردم اسرائیل دل بسته بتها شده اند، پس به راه آن ها نرو.^{۱۸} آن ها بعد از آنکه شراب نوشیدند، برای ارضای

جنگ اسرائیل و یهودا

توبهٔ ریاکارانهٔ اسرائیل و یهودا

^۸زنگ خطر را در جعبه و رامه و بیت آون به صدا در آورید. ای مردم بنیامین، متوجه خطر باشید! ^۹ای افرایم، روز مجازات تو نزدیک است و بزودی ویران می شوی. این خبر را به قبایل اسرائیل اعلام می کنم تا بدانند که این حادثه واقعاً آمدنی است.

^{۱۰}خداوند می فرماید: «رهبران یهودا زمین ها را غارت می کنند، بنابراین، من خشم خود را مانند سیلاب بر آن ها فرو می ریزم. ^{۱۱}افرایم هم کوبیده می شود، زیرا از کسانی کمک می خواهد که نمی توانند به او چیزی بدهند. ^{۱۲}لهذا من مثل کویه که پشم را از بین می بزد، اسرائیل و یهودا را نابود می کنم.

^{۱۳}وقتی افرایم دید که تا چه حد بیمار است و یهودا متوجه زخم خود شد، افرایم به کشور آشور رو آورد و به پادشاه بزرگ آن پناه بُرد. اما پادشاه آشور قادر نیست که او را شفا بدهد و یا زخمش را التیام بخشد. ^{۱۴}مثل شیری که شکار خود را می دزد، من افرایم و یهودا را می دزم و با خود می برم و هیچ کسی نمی تواند آن ها را از چنگ من برهاند.

^{۱۵}بعد آن ها را ترک کرده به خانهٔ خود بر می گردم تا آن ها به گناهان خود اعتراف کرده در حال بیچارگی و درماندگی در طلب من باشند و دست کمک بسوی من دراز کنند.»

۶ بیائید بسوی خداوند برگردیم، زیرا که او ما را دریده است ما را شفا می بخشد. او ما را زخمی کرد و او هم زخم ما را درمان می کند. ^۲پس از دو روز دوباره ما را زنده می سازد و در روز سوم بر می خیزاند و آنگاه در حضور او زندگی می کنیم. ^۳پس بیائید خداوند را بشناسیم و معرفت او را به دست آوریم. ظهور او مانند طلوع فجر یقینی است و بر ما مثل باران می آید؛ مانند باران بهاری و باران آخر که زمین را سیراب می کند.

^۴اما خداوند می فرماید: «ای افرایم و یهودا، با شما چه کنم؟ دوستی و محبت شما مثل غبار و شبنم صبحگاهی زودگذر است. ^۵به همین دلیل، من انبیای خود را فرستاده ام تا پیام مرا بخاطر هلاکت تان به شما برسانند و خبر بدهند که داوری من مثل صاعقه ای بر شما فرود می آید. ^۶من از شما رحمت می خواهم نه قربانی. من خواهان هدایای سوختنی شما نیستم، بلکه از شما می خواهم تا مرا بشناسید.

^۷اما آن ها مانند آدم، پیمان مرا شکستند و به من خیانت کردند. ^۸جلعاد، شهر گناهکاران و قاتلان است. ^۹مانند راهزنانی که در کمین مردم می نشینند. کاهنان هم در راه شکیم خون مردم را می ریزند و دست به هر نوع جنایات وحشیانه می زنند. ^{۱۰}من در اسرائیل شاهد اعمال قبیحی بوده ام. افرایم مرتکب زنا شده و اسرائیل خود را نجس ساخته است.

اسرائیل و اقوام بیگانه

^۸ خداوند می فرماید: «اسرائیل با بیگانگان آمیزش کرده و مثل نان نیم پخته قابل خوردن نیست. ^۹ آمیزش با اقوام بیگانه قوت و نیرویش را از بین برده است، اما خودش نمی داند. موی سرش سفید شده است، ولی او از آن بی خبر است. ^{۱۰} خودخواهی اسرائیل او را رسوا ساخته است، اما با همه اینها، طالب خداوند، خدای خود نیستند و بسوی او باز نمی گردند. ^{۱۱} اسرائیل مانند کبوتر، نادان و بی شعور است. او گاهی برای کمک بسوی مصر بال می زند و گاهی به آشور پرواز می کند. ^{۱۲} اما من در حین پروازش تور خود را بر او می اندازم و او را مثل پرنده ای از هوا به زمین می آورم. آنگاه او را مطابق اعمال زشتی که انجام داده است، مجازات می کنم.

^{۱۳} وای بحال آن ها و باید هلاک شوند، زیرا مرا ترک کردند و علیه من تمرد نمودند. من می خواستم آن ها را نجات بدهم، ولی آن ها با من صادق نبودند. ^{۱۴} آن ها از صمیم دل بحضور من دعا و زاری نمی کنند، بلکه به بستر خود می روند و ناله و گریه را سر می دهند. به شیوه بت پرستان برای غله و شراب دعا می کنند و علیه من تمرد می نمایند. ^{۱۵} این من بودم که آن ها را پرورش دادم و به آن ها نیرو بخشیدم، ولی آن ها در عوض، بر ضد من توطئه چیدند. ^{۱۶} آن ها مرا ترک کرده اند و به خدائی رو می آورند که نفعی برای شان نمی رساند. مانند کمان

^{۱۱} ای یهودا، بخاطر کارهای زشت تان روزی را برای مجازات شما هم تعیین کرده ام.

۷ هر گاهی که خواستم قوم اسرائیل را شفا بدهم و آن ها را دوباره کامران سازم، دیدم که آن ها دست از گناه و کارهای بد نمی کشند. آن ها مردم را فریب می دهند؛ در خانه ها دزدی و در جاده ها راهزنی می کنند. ^۲ آن ها نمی دانند که من از کردار زشت آن ها چشم نمی پوشم. کارهای بد شان آن ها را از هر طرف احاطه کرده است و من همه را به چشم خود می بینم.»

توطئه در قصر سلطنتی

^۳ خداوند می فرماید: «پادشاه از شرارت آن ها و رهبران از دروغ آن ها خوشحال می شوند و لذت می برند. ^۴ آن ها همگی زناکارند و آتش شهوت آن ها مانند تنوری است که نانوا آنرا مشتعل ساخته و تا که خمیر آماده پختن شود آتش آنرا شور نمی دهد. ^۵ در روزی که پادشاه جشن می گیرد، رهبران از نشئه شراب مست می شوند و خودش هم با آنهاست که مسخره اش می کنند هم پیاله می گردد. ^۶ دلهای شان از مکر و فریب همچون تور داغی است. خشم و غضب آن ها تمام شب به آرامی می سوزد و بمجردی که صبح شود، آتش آن مشتعل می گردد.

^۷ همه آن ها مثل تنور سوزان هستند، رهبران خود را می کشند و پادشاهان شان یکی پس از دیگری بقتل رسیده اند. هیچ کسی نیست که از من کمک بطلبد.»

آن پیش اقوام دیگر مانند ظرف شکسته و بی مصرفی شده اند. ^۹ مثل گوره خری تنها و آواره گردیده اند و از آشور کمک می طلبند و برای حمایت خود اقوام دیگر را اجیر می کنند. ^{۱۰} حالا من آن ها را جمع می کنم و به اسارت می فرستم تا در زیر بار ظلم پادشاه آشور و مأمورین او از پا بیفتند.

^{۱۱} افرایم قربانگاه های زیادی برای آرمزش گناه ساخت، اما آن قربانگاهها جایگاه گناه شدند. ^{۱۲} به افرایم احکام و هدایات بیشماری دادم، ولی او همه را احکام غیر پنداشته رد کرد. ^{۱۳} گرچه افرایم برای من قربانی هائی تقدیم می کند و گوشت آن ها را می خورد، اما من هیچیک از آن قربانی ها را نمی پسندم. خطاهای شان را فراموش نمی کنم و افرایم را بخاطر گناهانش جزا می دهم و به مصر باز می گردانم.

^{۱۴} اسرائیل آفریدگار خود را فراموش کرده و برای خود قصرها ساخته است. یهودا به تعداد شهرهای مستحکم خود افزوده است، ولی من آتشی را می فرستم تا این قصرها و شهرها را به خاکستر تبدیل کند.»

جزای گناهان اسرائیل

۹ ای اسرائیل، مثل اقوام دیگر وجد و خوشی نکن، زیرا تو خدای خود را ترک گفته ای و به او خیانت کرده ای. در همه جا مثل فاحشه ها خودفروشی نموده ای. ^۲ خرمنگاه ها و کارگاه های شراب سازی، مردمت را تغذیه نمی کند.

کجی هستند که نمی توان بر آن اعتماد کرد. رهبران آن ها بخاطر زبان بد خویش با شمشیر کشته می شوند و مصریان آن ها را مسخره می کنند.»

بت پرستی اسرائیل

۸ خداوند می فرماید: «زنگ خطر را به صدا درآورید! دشمنان مانند عقاب بر سر قوم برگزیده من هجوم می آورند، زیرا قوم من پیمان مرا شکسته و از احکام من سرپیچی کرده اند. ^۲ آن ها مرا خدای خود می خوانند، از من کمک می طلبند، ادعا می کنند که قوم برگزیده من هستند و مرا می شناسند، اما حالا فایده ای ندارد، ^۳ زیرا اسرائیل از فرصت خوبی که داشت استفاده نکرد، به همین دلیل دشمنانش او را تعقیب می کنند.

^۴ اسرائیل بدون مشوره من برای خود پادشاه تعیین کرد و رهبران خود را بدون رضایت من انتخاب نمود. برای نابودی خود بت هائی از طلا و نقره ساخت. ^۵ ای سامره، از گوساله طلائی ات متنفرم. آتش خشم من علیه ساکنین تو برافروخته شده است. چه وقت از بت پرستی و گناه دست می کشی؟ ^۶ آن گوساله، خدا نیست، بلکه ساخته دست یک صنعتگر اسرائیلی است. گوساله سامره خرد و ذره ذره می شود. ^۷ آن ها باد را می کارند و گردباد را درو می کنند. زمین آن ها محصولی نخواهد داد و اگر محصولی هم بدهد، محصولش خوراک بیگانگان می شود. ^۸ اسرائیل از بین رفته و مردم

گناه اسرائیل و عاقبت آن

۱۰ خداوند می فرماید: «وقتی اسرائیل را یافتم برای من مثل انگور در بیابان بود و یافتن پدران شان مانند میوه نورس انجیر در موسمش، برایم لذت بخش بود. اما وقتی به کوه فغور رفتند، خود را وقف بت منفورِ بعل کردند و بزودی مثل خدایانی که معبود و معشوق آن ها بودند، مکروه و نجس شدند. ۱۱ شوکت و شکوه اسرائیل مانند پرنده ای پرواز می کند. زنهای شان دیگر حامله نمی شوند و توالد و تناسل صورت نمی گیرد. ۱۲ اگر فرزندان شان بزرگ هم شوند، من همه را از آن ها می گیرم و یک نفر را هم زنده نمی گذارم. وقتی که من هم آن ها را ترک کنم، وای بحال شان!»

۱۳ افرایم زمانی مثل نهال جوان خرما در مرغزار با صفائی روئیده بود، اما حالا باید فرزندان خود را به کشتارگاه ببرد. ۱۴ ای خداوند، برای این قوم از تو چه طلب کنم؟ به آن ها رَجْم هائی بده که نتوانند جنین را در خود پیوراندند و پستانهای خشکی که نتوانند شیر بدهند.

خداوند اسرائیل را مجازات می کند

۱۵ خداوند می فرماید: «تمام شرارت افرایم از جَلْجَل شروع شد و در همانجا بود که من از آن ها بیزار شدم. بخاطر همین شرارت شان، آن ها را از عبادتگاه خود می رانم. دیگر آن ها را دوست نمی دارم، زیرا همه رهبران شان متمرّد و سرکش هستند. ۱۶ افرایم رو بزوال است،

انگورهایت در تاکها خشک می شوند. ۳ قوم اسرائیل دیگر در سرزمین خداوند زندگی نمی کنند، بلکه دوباره به مصر برده می شوند و در آشور غذا و خوراک نجس را می خورند. ۴ در آن کشورها نمی توانند بعنوان هدیه برای خداوند شراب بریزند و قربانی های آن ها خداوند را خوشنود نمی سازند. این گونه قربانی ها مثل خوراکی است که در مُرده خانه خورده می شود و هر کسی که آن را بخورد نجس می گردد این غذا فقط برای رفع گرسنگی آن ها خواهد بود و نباید آن را به عبادتگاه خدا بیاورند. ۵-۶ پس وقتی مصیبت بیاید، در ایام عید و روزهای خاص خداوند چه خواهند کرد؟ مصریان آن ها را جمع نموده در شهر ممفیس دفن می کنند. در جاهائی که اشیای نفیس نقره یی را جمع می کردند و همچنین در خانه های شان خار و خس می روید.

۷ مردم اسرائیل بدانند که زمان عقوبت و دوران مجازات شان فرا رسیده است. گناه و خطای قوم اسرائیل زیاد است، زیرا از روی بغض و نفرت، نبی را احق می گویند و کسی را که از خدا الهام می گیرد، دیوانه می خوانند. ۸ نبی از جانب خدا آمده است تا نگهبان افرایم باشد، اما به هر جائی که می رود برایش دامی نهاده شده است. این مردم حتی در عبادتگاه خدا هم عداوت خود را نشان می دهند. ۹ آن ها مثل روزهای که در جِبَعه بودند بی نهایت خود را فاسد ساخته اند. خدا گناهان شان را فراموش نمی کند و آن ها را به جزای اعمال شان می رساند.

ریشه اش خشک شده و دیگر ثمری نمی دهد. آن ها اطفالی دنیا نمی آورند و اگر صاحب فرزندان هم شوند، آن اطفال را که برای شان خیلی عزیز اند، از بین می برم.»

هوشع نبی راجع به اسرائیل حرف می زند

۱۷ خدای من آن ها را ترک می کند. آن ها در بین اقوام دیگر سرگردان و آواره می شوند، زیرا به کلام خدا گوش ندادند.

۱۸ قوم اسرائیل مانند تاک پُر از انگور است. هر قدر ثمر شان زیاد می شود به همان اندازه به تعداد قربانگاه های خود می افزایند و هر قدر که محصولات زمین شان فروان گردد، بیشتر به ساختن بت های زیبا مایل می شوند. ۲ دل های آن ها با خدا راست نیست و حالا باید سزای گناه خود را ببینند. خداوند قربانگاه های شان را ویران می کند و بت های آن ها را از بین می برد.

۳ مردم می گویند: «ما پادشاه نداریم، زیرا از خداوند نترسیدیم، اما اگر پادشاهی هم می داشتیم چه کاری برای ما کرده می توانست؟» ۴ آن ها حرف های بیجا می زنند، عهد و پیمان شان همه دروغ است. دعوا و مرافعه مانند علف های سمی مزرعه، در بین آن ها می روید.

۵ اهالی سامره می ترسند که مبادا به گوساله های طلائی بیت آون آسیبی برسد. مردم و کاهنان بت پرست آن بخاطر درخشندگی از دست رفته بت خود شیون می کنند و ماتم می گیرند. ۶ بت شان

خداوند محکومیت اسرائیل را اعلام می کند

۹ خداوند می فرماید: «ای قوم اسرائیل، شما از همان شب هولناک در جِبَعَه تا حال گناه کرده اید و به گناه خود ادامه داده اید. آیا کسانی که در جِبَعَه دست به گناه زدند، در جنگ از بین نرفتند؟» ۱۰ پس من علیه این قوم گناهکار بر می خیزم و آن ها را تنبیه می کنم. اقوام دیگر را به جنگ آن ها می فرستم تا آن ها بخاطر تمام گناهی که مرتکب شده اند مجازات شوند.

۱۱ افرایم مثل گوساله تریه شده به کوبیدن خرمن علاقه داشت، پس من یوغ سنگینی برگردن مقبولش گذاشتم تا برای کارهای سخت تر آماده شود. یهودا قلبه کند و اسرائیل زمین را بیل بزند. ۱۲ پس تخم عدالت را بکارید تا محصول دوستی و محبت را درو کنید. زمین سخت دل های خود را نرم سازید، زیرا حالا وقت آنست که در طلب من باشید تا من هم باران رحمت و عدالت خدائی

می کند. ^۶ دشمنان با شمشیر بر افرایم هجوم می آورند، سنگرها و استحکامات افرایم را در هم می شکنند و نقشه و دسیسه هایش را باطل می سازند. ^۷ چون قوم من تصمیم گرفته اند که مرا ترک کنند. پس من هم آن ها را به اسارت می فرستم و هر قدر زاری کنند، آزاد نمی شوند.

^۸ ای افرایم، چگونه می توانم ترا از دست بدهم؟ و ای اسرائیل، چگونه می توانم ترا ترک کنم؟ چگونه می توانم ترا از بین آدَمَه و زئیم رفتار کنم؟ دلم نمی خواهد که این کار را بکنم. محبت من نسبت به تو خیلی عمیق است. ^۹ از خشم شدید خود جلوگیری می کنم و دیگر ترا از بین نمی برم، زیرا من خدا هستم، نه انسان. من قدوس هستم و در بین شما ساکن می باشم. با قهر و غضب پیش شما نمی آیم.

^{۱۰} آنگاه قوم برگزیده من از من که خداوند هستم پیروی می کنند و من مانند شیر بر دشمنان می غرم و چون غرش کنم، لرزان و شتابان از غرب باز می گردند. ^{۱۱} مثل خیل پرندگان از مصر و مانند کبوتران از آشور پرواز می کنند. «خداوند می فرماید: «من آن ها را به خانه های شان بر می گردانم.»

اسرائیل و یهودا محکوم می شوند

^{۱۲} خداوند می فرماید: «افرایم مرا با دروغها و اسرائیل با مکرها احاطه کرده اند و یهودا علیه من که خدای امین و مقدس هستم بغاوت می کند.

خود را بر شما بفرستم. ^{۱۳} اما شما تخم بدی و شرارت را کاشتید و محصول ظلم و بی انصافی را درو کردید و ثمره دروغ های تان را خوردید.

شما به قوت و تعداد جنگجویان خود اتکاء نمودید، ^{۱۴} لهذا ترس و وحشت از جنگ شما را فرا می گیرد و مثلثیکه شلمان شهر بیت اربیل را در جنگ خراب کرد و مادران را با کودکان شان کشت، قلعه های تان ویران می شوند. ^{۱۵} ای مردم بیت ئیل، بخاطر کثرت گناهان تان شما هم به همین سرنوشت گرفتار می شوید و همینکه جنگ شروع شود، پادشاه اسرائیل هلاک می گردد.»

محبت خدا به قوم گناهکار اسرائیل

۱۱ خداوند می فرماید: «وقتی اسرائیل طفل بود او را دوست داشتم. از مصر بیرونش آوردم و پسر خود خواندم. ^۲ اما هر قدر او را بسوی خود خواندم، زیادتز از من دور شد. برای بعل بیشتر قربانی نمود و برای بتها خوشبوئی دود کرد. ^۳ این من بودم که به افرایم راه رفتن را یاد دادم و او را در آغوش خود پروردم، ولی افرایم به اینکه من غمخوارش بودم هیچ اهمیتی نداد. ^۴ رشته دوستی را با افرایم قایم کردم و دست محبت را بسویش دراز نمودم. یوغ سنگین را از دوش افرایم برداشتم و به او خوراک دادم.

^۵ چون او نمی خواهد که بسوی من بازگردد، بنابراین، دوباره به مصر فرستاده می شود و پادشاه آشور بر او سلطنت

تا ترا را از اراده من آگاه سازند. ^{۱۱} اما بازهم در جلعاد دست از گناه و خطا نکشیدی و در جلجال برای بتها قربانی کردی. پس قربانگاه هایت در همه جا و حتی در کشتزارها به توده های سنگ تبدیل می شوند.»

^{۱۲} یعقوب به بین النهرین فرار کرد و در آنجا با کار چوپانی برای خود زن گرفت. ^{۱۳} خداوند پیغمبری را فرستاد تا قوم اسرائیل را از مصر بیرون بیاورد و از آن ها مراقبت کند. ^{۱۴} اما حالا افرایم خداوند را بشدت خشمگین ساخته است، بنابراین، خداوند او را بخاطر جنایتی که مرتکب شده است محکوم به مرگ می کند.

محکومیت قوم اسرائیل

۱۳ در گذشته وقتی قبیله افرایم سخن می گفت، قبایل دیگر اسرائیل از ترس به لرزه می آمدند، اما حالا بخاطر پرستش بت بعل محکوم به مرگ شده است. ^۱ آن مردم بیشتر از پیش گناه می کنند و از نقره خود بت های ریختگی می سازند، بتهایی که نتیجه فکر و ساخته دست بشر است و می گویند: «برای این بتها قربانی کنید و گوساله ها را ببوسید!» ^۲ بنابراین، آن ها مثل غبار و شبنم صبحگاهی بزودی محو می شوند. مانند کاه که از خرمن جدا می شود و همچون دود که از دودرو بر می آید، بزودی نابود می گردند.

^۴ خداوند می فرماید: «من خداوند، خدای شما هستم، همان خدائی که شما

۱۲ کارهایی که مردم افرایم از صبح تا شام می کنند، همه عبث و خطرناک اند. با آشور پیمان می بندند و با مصر رابطه تجارتي برقرار می کنند.» ^۲ خداوند از یهودا شکایت دارد اسرائیل را به سزای اعمالش می رساند و مطابق کارهایی که کرده است او را جزا می دهد. ^۳ یعقوب در رجم مادر با حيله جای برادر خود را گرفت و وقتی بزرگ شد با خدا هم نزاع کرد. ^۴ با فرشته دست و پنجه نرم کرد و پیروز شد. بعد با گریه و زاری از فرشته خواست که برکتش بدهد. در بیت ثیل خدا را دید و در آنجا با خداوند صحبت کرد. ^۵ خداوند، خدای قادر مطلق است که نامش «یهوه» خداوند است. ^۶ پس بسوی خداوند، خدای خود برگرد. با دوستی و عدالت زندگی کن و با صبر و بردباری همیشه منتظر خدا باش.

حرص و مجازات بیشتر اسرائیل

^۷ خداوند می فرماید: «افرایم به فروشنده ای می مانند که با ترازوی تقلبی معامله می کند و به فریب و حيله علاقه دارد. ^۸ افرایم با غرور می گوید: من ثروتمند هستم و همه این دارائی و ثروت را خودم به دست آورده ام و در کسب و کار خود خیانت نکرده ام و گناهی ندارم. ^۹ اما من خداوند، خدای تو هستم که ترا از مصر بیرون آوردم، ترا دوباره می فرستم تا مثل دورانی که در بیابان و در ایام عید بسر می بردی، در خیمه ها زندگی کنی. ^{۱۰} من با انبیاء صحبت کردم آن ها را با رؤیاهای زیاد پیش تو فرستادم

۱۶ سامره باید سزای گناهان خود را ببیند، زیرا در مقابل من تمرد کرده است. اهالی آن با دم شمشیر بقتل می رسند، اطفال آن ها تکه تکه و شکم زنان حامله شان دریده می شود.»

هوشع اسرائیل را به توبه دعوت می کند

۱۴ ای اسرائیل، بسوی خداوند، خدایت بازگرد، زیرا گناهانت باعث لغزش تو شده اند. ^۲ به بارگاه خداوند بیائید و این چنین دعا کنید: «ای خداوند، گناهان ما را ببخش و از روی لطف و کرم ما را بحضورت پذیر تا مراتب شکرگزاری خود را با دعا و سپاس بحضورت تقدیم کنیم. ^۳ آشور نمی تواند ما را نجات بدهد و قوای نظامی ما قادر به حفظ جانهای ما نیست. دیگر بتهای ساخته دست خود را خدای خود نمی خوانیم، زیرا یتیمان از تو رحمت می یابند.»

وعده بخشایش

۴ خداوند می فرماید: «من قوم برگزیده خود را از بی وفائی شفا می بخشم. آن ها را مورد محبت بیحد خود قرار می دهم، زیرا آتش خشم من فرونشسته است. ^۵ من برای اسرائیل مانند باران بر یک زمین خشک خواهم بود و او مثل سوسن شگوفه می کند و همچون درختان سرو لبنان ریشه می دواند. ^۶ شاخه هایش به هر طرف سایه می اندازد، مانند درخت زیتون زیبا می شود و بوی خوش او

را از مصر بیرون آورد. بغیر از من خدای دیگری نیست و من یگانه نجات بخشای شما هستم. ^۵ من بودم که در بیابان خشک و بی آب به شما خوراک دادم. ^۶ اما وقتی خوردید و شکم تان سیر شد، مغرور شدید و مرا فراموش کردید. ^۷ پس من مثل شیری بر شما حمله می آورم و مانند پلنگی بر سر راه تان در کمین می نشینم. ^۸ همچون خرسی که چوپه هایش ربوده شده باشند بر شما حمله می کنم، پرده دل تان را می دَرَم، مثل شیری شما را می بلعم و حیوانات وحشی شما را می درند.

۹ ای اسرائیل، اگر ترا از بین ببرم، آیا کسی می تواند به تو کمک کند؟ ^{۱۰} تو خواستی که پادشاه و رهبرانی داشته باشی، پس حالا آن ها کجا هستند؟ آیا آن ها می توانند ترا نجات بدهند؟ ^{۱۱} در خشم خود به تو پادشاه دادم و در غضب خود او را پس گرفتم.

۱۲ خطاها و گناهان افرایم ثبت شده و همه در دفتر محفوظ اند. ^{۱۳} با اینهم فرصتی برای زنده ماندن دارد، ولی او مانند کودک لجوج و نادانی است که نمی خواهد از رجم مادر خود بیرون شود. ^{۱۴} آیا او را از دنیای مردگان برهانم و از چنگال مرگ نجات بدهم؟ ای مرگ بلاهایت را نشان بده و ای دنیای مردگان نابودی و هلاکت را بیاور، زیرا دیگر رحم نمی کنم. ^{۱۵} هر چند افرایم در بین علفها ثمر بیاورد، اما من باد سوزان شرقی را از بیابان می فرستم تا منابع آب و چشمه هایش را خشک سازد و ثروت و اشیای نفیس و گرانبهایش را بتاراج ببرد.

آخرین هشدار

۹ کیست که دانا و خردمند باشد و معنی این سخنان را درک کند؟ کیست که صاحب دانش باشد و آن‌ها را بدانند؟ زیرا راههای خداوند راست است و عادلان آن راهها را می‌پیمایند، اما خطاکاران در آن‌ها می‌لغزند.

همچون جنگلهای لبنان خواهد بود. ۷ بار دیگر در زیر سایهٔ رحمت من زندگی می‌کند، مثل باغ و بوستان تر و تازه و همچون تاکستانی شگوفان می‌شود و مانند شراب لبنان معطر و خوشبو می‌گردد. ۸ افرایم دیگر با بتها کاری نخواهد داشت. من دعایش را می‌پذیرم، از او مراقبت می‌کنم و مثل درخت سرو، پناهگاه او می‌شوم.»

